مجله علمی پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی (سال سوم)
شماره ۹ / جلد سوم/ پاییز ۱۳۹۶ / ص ۶۴- ۵۲

تاثیر سیاستگذاری عمومی از منظر رفاه عمومی برتوسعه اجتماعی سیاسی (مطالعه موردی استان کردستان)

ملکتاج خسروی[۱]. سید رحمت اله برزنجه عطری[۲]

[۱] استاد راهنما دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی
[۲] دانشجوی دکترا دانشکده علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی

نام نویسنده مسئول
سید رحمت اله زنجه عطری

چکیده

سیاستگذاری عمومی از منظر رفاه عمومی به مفهوم مطالعه و بررسی خدمات اجتماعی و رفاهی دولت است. این خدمات غیرسیاسی هستند و عمدتا شامل مسکن، تامین اجتماعی، مددکاری اجتماعی و آموزش می‌شود . هدف اصلی سیاست‌های اجتماعی کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی است. اما بتدریج گستره و دامنه‌ی سیاست‌های اجتماعی از تعریف اولیه‌ی خود فراتر رفته است و شامل مواردی چون بهداشت، تغذیه، اشتغال‌زایی و سایر خدمات دولتی می‌شود. با این تعریف، مقاله حاضر برای بیان تاثیر سیاستگذاری عمومی از منظر رفاه عمومی به بررسی سیاست های اجتماعی دولت ایران با تاکید بر دوره ریاست جمهوری حسن روحانی می پردازد. برخلاف تحقیقات بنیادی که هدف اصلی و اساسی در آن ، افزایش حیطه فهم و دانش در ارتباط با یک موضوع خاص است و درآن از روش های کیفی از جمله روش دلفی در فرایند تحلیل استفاده میشود ، این پژوهش یک پژوهش کاربردی است که وظیفه آن کشف علمی نیست و باتوجه به الگوی خاص خود، پژوهشی کاربردی تلقی می‌شود، زیرا هدف اصلی آن ، آزمودن وبررسی امکان کاربرد دانش موجود است تا از این طریق قادر به ارایه راهکار برای حل مسایل خاص سیاستگذاری ازمنظر رفاه عمومی و کمک به کارگزاران جهت انجام وظایفشان باشد. .

نتایج آزمونهای این تحقیق که با استفاده از روش دلفی صورت گرفته ، نشان میدهد که ضریب توافق کندال بالاتر از ۰/۴ قرار داشته و با توجه به کمتر بودن مقدار سطح معنی داری از ۰/۰۵ می توان گفت که ضریب توافقی کندال معنادار بوده است و درسطح اطمینان ۹۵٪ اتفاق نظر بین خبرگان وجود داشته است. هرچه ضریب توافقی کندال به ،،یک ،، نزدیک تر باشد، اتفاق نظر بین خبرگان بیشتر می‌باشد.

واژگان کلیدی: سیاست های اجتماعی و رفاهی- دولت یازدهم- اشتغال- مشارکت سیاسی-کشاورزی- معیشت

مقدمه

امروزه با پیشرفت و گسترش جوامع، نیاز شهروندان به مسائل و موضوعات مختلف نیز بیشتر شده است. به طوری که شهروندان در زندگی روزمره‌ی خود با خدمات مختلف دولتی درگیر هستند و یا آن را تقاضا می‌کنند. از سوی دیگر دولت‌ها در راستای ایجاد رفاه و رضایت شهروندی ملزم به ارائه‌ی خدماتی هستند که پاسخگوی تقاضاها و خواسته‌های شهروندان باشند. اما در عین حال این موضوع باعث افزایش وسعت و پیچیدگی بیشتر این خدمات شده است. به طوری که سیاستگذاری عمومی در عرصه ی رفاه اجتماعی تحت عنوان سیاست‌های اجتماعی امروزه تبدیل به بحثی تخصصی و حتی رشته‌ی دانشگاهی شده است. سیاست‌های اجتماعی به صورت زیرشاخه‌ای از سیاست‌گذاری‌های عمومی برای تحقق آرمان‌های مختلف مانند عدالت،برابری اجتماعی و ایجاد انسجام اجتماعی شکل گرفته است و در میزان مشارکت شهروندان نقش دارد. در حال حاضر سیاست‌های اجتماعی تبدیل به برنامه‌ها و نظام‌های بنیادین در عصر مدرن شده است. این سیاست‌ها طیف گسترده‌ای از اقدامات دولتی را در برمی‌گیرد که عبارتند از سیاست‌ها و روش‌های اجرایی در ارایه خدمات دولتی در زمینه‌هایی چون آموزش، امنیت اجتماعی، خدمات استخدامی و کارگزینی، تامین اجتماعی و خدمات سلامت و درمان، اقداماتی در زمینه‌ی مسکن و تامین سرپناه، مسائل و بحران‌های اجتماعی مانند مبارزه با جرم، توان‌یابی، مبارزه با بیکاری، بهداشت روانی، حل معضلاتی چون تبعیض جنسیت، فقر و... است. (هان ، دانی ۲۰۰۸ : ۷۹)

با این توضیح ساده و کلی می‌توان نشان داد که سیاستگذاری عمومی از منظر رفاه عمومی که اختصارا آنراسیاست‌های اجتماعی نامیده اند تا چه حد در زندگی شهروندان نفوذ کرده است و بر میزان رضایت آنان تاثیر می‌گذارد. از سوی دیگر رضایتمندی شهروندان در مشارکت سیاسی آنها تاثیر گذار است و باعث می‌شود تا آنان در امور مختلف دولتی و شهری مشارکت یا عدم مشارکت داشته باشند. تحقیقات بسیار فراوانی از عوامل موثر در مشارکت سیاسی شهروندان صورت گرفته است که بخش اصلی آنان به وضعیت معیشت و سبک زندگی شهروندان اشاره دارد. از این رو بحث دولت رفاه در ادامه سیاست‌های اجتماعی مطرح شده است. چرا که دولت‌ها برای بقا و کسب مشروعیت و خدمات رسانی بهتر نیاز به مشارکت و همکاری شهروندان در امور مختلف دارند و در واقع این امر در توسعه‌ی جامعه و کشور امری ضروری تلقی می‌شود و در بنیان مشارکت سیاسی، بحث اعتماد شهروندان به دولت و نهادهای مرتبط به آن وجود دارد. اکنون سئوالی که پیش می آید این است که اولا سیاست های اجتماعی (سیاستگذاری عمومی از منظر رفاه عمومی)دولت یازدهم کدامند؟ دوم اینکه این سیاستهاچه تاثیری بر میزان مشارکت سیاسی داشته اند؟ در این پژوهش تلاش می شود تا با استفاده از روش دلفی واخذ نظر خبرگان به این سئوالات پاسخ داده شود. در ادامه ضمن ارائه‌ی پیشینه‌ی تحقیق، بیشتر به تعاریف مفاهیم سیاست اجتماعی و مشارکت سیاسی و به معرفی اجمالی سیاست‌های اجتماعی دولت یازدهم در استان کردستان پرداخته خواهد شد.

۲-پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی بررسی تاثیر سیاستگذاری عمومی از منظر رفاه عمومی یا سیاست‌های اجتماعی دولت روحانی بر مشارکت مردم ایران تحقیقات جدی و عمیقی صورت نگرفته است و مطالعات پیشین در مورد سیاست‌های اجتماعی ایران در بسیاری از موارد کلی و یا موردی بوده و یا به تعریف مفاهیم بنیادی در سیاست‌های اجتماعی پرداخته است. برای مثال معصومه قاراخانی در سال ۱۳۹۰ در مقاله‌ی"بررسی سیاست‌گذاری اجتماعی ایران"سیاست‌گذاری اجتماعی ایران را مورد بررسی و ضرورت پژوهش سیاست‌گذاری اجتماعی در ایران را از سه بعد ضرورت، وضعیت و دشواری‌های آن را مورد بررسی قرار داده است و ضمن بیان دشواری‌ها و تنگناهای موجود در بررسی سیاست‌های اجتماعی در ایران، به طرح پیشنهاداتی در این زمینه پرداخته است. در تحقیقی دیگر با عنوان "سیاست‌گذاری اجتماعی: زمینه‌ها و رویکردها"، سعید وصالی و رضا امیدی با رویکردی توصیفی به دسته‌بندی زمینه‌های شکل‌گیری و رویکردهای نظری رشته سیاستگذاری اجتماعی پرداخته و انواع تعریف‌های ارائه شده از این رشته را طرح کرده و این تعاریف و رویکردها را در سه دسته‌ی بازنمایی، هنجاری و تبیینی جای داده است. در نهایت وصالی و امیدی در این مقاله معتقدند که نادیده گرفتن تفاوت‌های زمانی و تغییرات نهادی در کشورهای مختلف و افول دولت‌های رفاه، منجر به بروز نارسایی‌هایی در تبیین و توصیف این رویکردها شده است و از آن مهم‌تر بیان هزینه‌های تخصیصی در سیاست‌های اجتماعی نمی تواند نشان یا شاخصه‌ی مناسبی برای تحلیل نظام رفاهی و رویکرد غالب سرمایه‌گذاری‌های اجتماعی در کشورهای مختلف باشد. از دیگر مقالاتی که به تعریف مفاهیم سیاست‌گذاری اجتماعی می‌پردازد مقاله‌ی فرشید یزدانی است که در مقاله‌ی خود با عنوان "مفاهیم بنیادی در رفاه اجتماعی" به تعریف مفاهیم سیاست اجتماعی، رفاه اجتماعی، تامین اجتماعی می‌پردازد و اینکه این واژه‌ها چه کارکردی به وجود میاورند و تاریخ شکل‌گیری این واژه‌ها را توضیح می‌دهد. مهشید کامکار نیز در مقاله‌ای با عنوان "سیاست‌گذاری اجتماعی چیست؟" به کاربردهای سیاست‌های اجتماعی می‌پردازد. وی معتقد است سیاست‌های اجتماعی اعمال شده از طرف دولت برای بهزیستی و حمایت اجتماعی است و روش‌هایی را به کار می‌گیرد تاباعث گسترش و توسعه‌ی بهزیستی در جامعه شود. در وهله‌ی اول سیاست‌های اجتماعی به مفهوم سیاست‌هایست که بر خدمات اجتماعی تمرکز دارد و دروهله‌ی دوم به مفهوم طیف گسترده‌ای از مفاهیم گسترده و ورای قوانین و احکام دولتی است و راه‌کار، اقدامات و روش‌هایی است که از طریق آن‌ها بهزیستی و کیفیت زندگی شهروندان ارتقا می‌یابد و شرایط اقتصادی و اجتماعی‌ای را فراهم می‌آورد که موجب گسترش و افزایش رفاه و زندگی بهتر افراد در جامعه می‌شود. محمود مسکوب نیز در مقاله‌ی انگلیسی خود با عنوان

"سیاست اجتماعی در قرن بیستم" تاریخچه‌ای از سیاست‌های اجتماعی ایران قبل و بعد از انقلاب اسلامی ایران ارائه می‌کند. بعد از آن به بررسی نهادهای رفاهی ایران بعد از انقلاب اسلامی ایران می‌پردازد.

در مواردی دیگر سیاست‌های اجتماعی در ایران در یک دوره‌ی تاریخی خاص بررسی شده است مانند مقاله‌ی "در جستجوی سیاست اجتماعی در اسلام" که غلامعباس توسلی در این مقاله سعی کرده است تا چهارچوب‌های سیاست‌های اجتماعی در ایران را با استفاده از روایات و سنت‌های پیامبر از منظر دین اسلام بررسی کند. وی در این مقاله نتیجه می‌گیرد که میان سیاست‌های اجتماعی ایران که بخشی از آن در قانون اساسی ذکر شده و مورد تایید فقها و علمای ایران است همسویی وجود دارد. "سیاست اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاگ)" نیز مقاله‌ی دیگریست که پرویز پیران، نگارنده‌ی مقاله اعلام می‌دارد که مقوله‌ی توسعه‌ی اجتماعی در پژوهش‌های محققان ایرانی و خارجی تا حدی ناقص و ناکافی است. اما سند منتشر شده از سوی اجلاس جهانی توسعه‌ی اجتماعی با عنوان سند کپنهاگ تا حدی توانسته است این مشکل را رفع کند و گستره و چهارچوب توسعه‌ی اجتماعی را مشخص کند. با بررسی روند تحولات و سیاست‌های اجتماعی نشان از افزایش بحران‌ها در ایران وجوددارد. نویسنده با بررسی زمینه‌های تاریخی علل بروز بحران‌های اجتماعی سعی دارد به این موارد پاسخ دهد که اولا علت ناکامی‌های جنبش‌های اجتماعی در ایران چیست؟ و دوم چه موانعی باعث عدم تحقق توسعه‌ی اجتماعی در ایران می‌شود.

علی کریمی و سمیه قاسم طوسی در مقاله‌ی "سیاست‌گذاری اجتماعی و هویت سازی ملی؛ فراگیری سیاست‌های کلان اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران" اظهار کرده اند که یکی از گذرهایی که از طریق آن ملت سازی و هویت بخشی انجام می‌شود، سیاست‌های اجتماعی است زیرا که سیاست‌های اجتماعی با عام نگری و فراگیریشان باعث ایجاد عدالت اجتماعی می‌شوند و حس تعلق و همبستگی را در شهروندان بیشتر می‌کنند. با بررسی این امر می‌توان گفت که رویکرد قانون اساسی جمهوری اسلامی در اصول گوناگون آن مبتنی بر برابرنگری شهروندی است و در توزیع منابع و منافع به همه شهروندان بدون توجه به مذهب و زبان و قومیت آنان یکسان برخورد شده است.

در مقالات دیگر در حوزه‌ی سیاست‌های اجتماعی مقالاتی هستند که تنها به جنبه ای خاص یا یکی از موارد سیاست اجتماعی را مورد بررسی قرار می‌دهد. برای مثال "سیاست اجتماعی و فقر" نوشته‌ی مهرداد جواهری پور که دو رویکرد را مورد بررسی قرار داده است یکی رویکرد معطوف به رشد و دیگری رویکرد کاهش فقر. هر کدام از این دو رویکرد نگاه متفاوتی را به سیاست اجتماعی و جایگاه آن در برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی داشته‌اند. مقاله‌ی جواهری پور سیاست‌های اجتماعی جدیدی را که درباره‌ی فقر شهری و کاستی‌ها ی آن است را مطرح و آثار نامطلوب آنرا ناشی از اجرای برنامه‌های تعدیل ساختاری بیان میکند. مقاله‌ی "سیاست اجتماعی و خانواده" نوشته‌ی علیرضا جزایری و مژگان صلواتی نیز روند تغییرات سیاست‌گذاری‌های اجتماعی در زمینه‌ی ارائه‌ی خدمات به خانواده را مورد بررسی قرار داده اند. این مقاله با مروری بر برخی از مشکلات خانوادگی از جمله خشونت علیه زنان و کودکان، سیاست‌های اجتماعی که در این موارد ارائه شده‌اند را مورد بحث قرار داده است. دکتر نعمت الله بابایی در مقاله"سیاست اجتماعی و سلامت" به اهمیت جمعیت سالم که منجر به پیشرفت است می‌پردازد ومعتقد است درجامعه سالم هزینه‌های کمتری به دولت تحمیل می شود.از طریق توزیع عادلانه‌ی امکانات و دسترسی همگان بدان‌ها زمینه فراهم آمدن سلامت اجتماعی جامعه فراهم می‌شود. در حالی که شکاف طبقاتی و نابرابری، سطوح بالاتری از جنایت، خشونت و آسیب و مخاطرات سلامتی بهمراه دارد. برای کاربرد سیاست اجتماعی موفق در بخش سلامت، با توجه به اهمیت تصمیم‌ها و اقدامات در بخش‌های مانند کشاورزی، آموزش، اقتصاد و دارایی، مسکن، خدمات اجتماعی و اشتغال در سلامت جامعه، باید راهبردهای معقول و موثری برای وارد کردن فعالانه‌ی آن‌ها در تلاش برای ایجاد توان لازم در ارتقای سلامت تدوین کرد.

محمدرضا معینی در "سیاست اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی و نهادهای غیر رسمی" نیز به اهمیت توسعه‌ی اجتماعی می‌پردازد و سیاست اجتماعی را مکانیزمی برای دخالت دولت رفاه در حوزه‌ی رفاه اجتماعی می‌داند. مشخصه‌ی اصلی فرایند توسعه‌ی اجتماعی، ارتقا شاخص‌های انسانی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه است. همچنین در این جریان دولت به عنوان کنشگر اصلی توسعه‌ی اجتماعی شناخته می‌شود اما به تدریج عرصه‌ی جدیدی در ادبیات توسعه‌ی اجتماعی گشوده شده است که می‌تواند به عرصه‌ی پیدایش نهادهای غیر رسمی اشاره داشت. در این عرصه‌ی جدید، نهادهای غیر رسمی حاملان اصلی سرمایه‌ی اجتماعی هستند که می‌توانند در ارتقا سطح توسعه‌ی اجتماع تاثیر عمیقی بر جای بگذارند. مقاله‌ی معینی به معرفی این نهادها، چگونگی بازسازی توسعه‌ای آنها و مروری بر چند تجربه‌ی بین‌المللی می‌پردازد.

کمال اظهاری در "فقر مسکن در ایران: فقر سیاست اجتماعی" مفهوم فقر مسکن را درمناطق شهری و روستایی توضیح می‌دهد. وی معتقد است فقر مسکن در مناطق شهری عمدتا به صورت اسکان غیر رسمی خود را نشان می‌دهد و فقر مسکن در مناطق روستایی به دلیل بی‌دوامی سازه، مصالح ساختمانی و تعداد اتاق رخ می‌دهد. به طور کلی ابعاد فقر در روستا فراتر از شهرهاست. مقاله‌ی کمال اظهاری به دنبال نشان دادن این است که عدم وجود سیاست اجتماعی تامین مسکن، یا کاستی‌های نظام‌های برنامه‌ریزی مسکن، تامین اجتماعی و نبود هماهنگی بین آن‌ها ، علت اصلی عدم توفیق دولت در کاهش فقر مسکن و تامین عدالت اجتماعی است.

علی اکبر تاج مزینانی و مهدی حامد نیز به دنبال شناخت جایگاه شهرداری در اعمال سیاست اجتماعی محلی در چارچوب قوانین موجود بوده و در این ارتباط تمامی اسناد بالادستی و قوانین مربوطه در شهرداری‌ها و به خصوص شهر تهران را مورد بررسی قرار داده ونشان می‌دهند

که بسیاری از ماموریت‌ها در مقررات داخلی شهرداری آمده است اما در قالب قوانین فراسازمانی نیامده است. در نتیجه انجام آن‌ها را با ابهام همپوشانی با سایر دستگاه‌ها مواجه می‌کند. در برخی از حوزه‌های سیاست اجتماعی مانند حمل و نقل، بهداشت عمومی و اوقات فراغت جایگاه مهمی برای شهرداری‌ها در نظر گرفته شده است. اما شهرداری در بعضی از محورهای رفاهی مانند مسکن، امور خانوادگی، مراقبت اجتماعی، سطح درآمدی افراد و امنیت رفاهی نقش چندانی ندارد. علاوه‌براین برخی از گروه‌ها مانند مهاجران و سالمندان تحت عنوان گروه هدف شهرداری قرار ندارد و به برخی از گروه‌های دیگر مانند کودکان و جوانان کم توجهی شده است. از نکات جالب بررسی اسناد بالا دستی، در نظر گرفتن مشارکت شهروندان در سیاست‌های اجتماعی شهرداری‌هاست. این پژوهش علاوه بر روشن سازی جایگاه قانونی شهرداری در اعمال سیاست‌های محلی، به معرفی نهادهای قانون‌گذار در سیاست‌های اجتماعی می‌پردازد که سیاست‌هایشان می‌تواند در حل موانعی که شهرداری‌ها با آن مواجه هستند کمک کند.

کوان هریس در مقاله‌ای با عنوان منشا "دولت رفاه ایران: نهادگرایی دوگانه و سیاست‌های اجتماعی در جمهوری اسلامی ایران" سعی دارد تا رابطه‌ی میان رفاه و مدیریت دولت را در کشور ایران از زمان انقلاب اسلامی بررسی کند. هریس معتقد است که تاسیس سازمان‌های رفاه اجتماعی در ایران که در کنار ساختار دولت پس از انقلاب و به خصوص در طی دوران جنگ تحمیلی شکل گرفته‌اند باعث پیدایش نهادگرایی دوگانه شد ه است .سازمان‌های جدید پسا انقلاب در کنار ساختار اداری به جا مانده از دوران پهلوی شکل گرفته و هر دو مجموعه‌ی نهادها توسط حکومت جدید در راستای رفاه اجتماعی در حوزه‌هایی رخ داد که در حکومت پیشین مغفول مانده بود. این نهادها به دلیل جنگ تحمیلی نتوانستند رشد کنند. این مقاله همچنین به نتایج توسعه‌ی سیاست‌های سوادآموزی ،سلامت و فقرزدای در طی سه دهه‌ی گذشته می‌پردازد. در نهایت این مقاله به موفقیت‌ها و کمبودهای سیستم رفاهی دولت ایران می‌پردازد که چهارچوبی مفهومی را برای مرزهای توسعه‌ی ایران امروز فراهم می‌آورد.

اما در کنار مقالاتی که در حوزه‌ی سیاست‌گذاری‌های اجتماعی مطرح شده است. می‌توان به مقالاتی اشاره کرد که بر عوامل موثر بر مشارکت سیاسی شهروندان می‌پردازد. در تمامی این مقالات یکی از عوامل موثر بر مشارکت سیاسی شهروندان ،رفاه اجتماعی و میزان دستیابی آنان به امکانات مطرح شده است. برای مثال فریبا شایگان در مقاله"نگرش نسبت به رفاه اجتماعی- اقتصادی و رابطه‌ی آن با اعتماد سیاسی در شهر تهران" به این می‌پردازد که اعتماد بین مردم و دولت یکی از عوامل ضروری برای اداره امور بهتر کشور و توسعه‌ی بیشتر و تامین نیازهای مردم است. دولت‌ها در عصر حاضر نمی‌توانند بدون داشتن حمایت مردمی و پشتوانه‌ی اعتماد مردم به تنهایی کشور را داره کنند و زمان اداره‌ی کشور به صورت استبدادی به پایان رسیده است. یکی از عوامل تاثیرگذار و بسیار مهم بر افزایش اعتماد سیاسی، احساس رضایت از زندگی و رفاه اجتماعی و اقتصادی میان شهروندان است. این تحقیق نشان داد که اگر دولت خواهان افزایش اعتماد سیاسی است باید در زمینه‌ی ایجاد رفاه اجتماعی مردم تلاش بیشتری نموده و رضایت آنان را جلب کند. در این تحقیق اعتماد ۵۲ درصد بالا و ۳۲ درصد در حد متوسط بوده است.

مقاله‌ای با عنوان "رضایتمندی و مشارکت سیاسی- اجتماعی مطالعه‌ی موردی: شهروندان شهر کرج" نوشته‌ی قربانعلی سبکتکین ریزی، مجید روهنده، سید محمد بساطیان و احمد جعفری بیان می‌کند که مشارکت امری است که امروزه در تمامی جوامع مورد پذیرش است و هر روز بر اهمیت آن افزوده می‌شود. برای تقویت و گسترش مشارکت مردم در جامعه با عنوان موضوعی حیاتی، شناخت عوامل موثر بر مشارکت مردم بسیار مهم است. این مقاله به بررسی عوامل اجتماعی، رضایتمندی اجتماعی و رضایتمندی سیاسی افراد می‌پردازد. در این تحقیق که با استفاده از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای چند مرحله‌ای در شهر کرج صورت گرفت، نتایج این نمونه گیری نشان می‌دهد که میان میزان مشارکت سیاسی – اجتماعی با رضایتمندی اجتماعی ۵۸ درصد و رضایتمندی سیاسی ۱۶ درصد همبستگی معنادار وجود دارد.

رسول ربانی در مقاله‌ای با عنوان "رابطه‌ی ابعاد مادی و غیر مادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری" معتقد است که افزایش جمعیت و شهرنشینی به عنوان پدیده‌های فراگیر در کلان شهرهای کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه مانند ایران هستند و مشکلات بر آمده از آن باعث شده است تا بسیاری از نظریه‌پردازان شهری به مشارکت شهروندان در امور شهری توجه خاصی داشته باشند. این مقاله به دنبال بررسی رابطه‌ی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهریست و نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که هر قدر اعتماد نهادی و رضایتمندی اجتماعی شهروندان در حد بالاتری قرار گیرد و احساس محرومیت آنان در حد پایینی باشد میزان مشارکت آنان در امور شهری بیشتر خواهد شد.

جنیفر لالس و ریچارد فاکس سورس متعقدند که مشارکت سیاسی در مناطق فقیر نشین شهری از اهمیت بسیاری درسیاست‌های اجتماعی و رفاهی برخوردار است .

نامبردگان در تلاش برای به دست آوردن درک کامل از مشارکت سیاسی مردم در نواحی فقیرنشین ،متغیرهای مشکلات اقتصادی که گرایش سیاسی و تعامل با نهادهای دولتی را در ۴۶۲ زن و مرد کم درآمد موردبررسی قراردادند . نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که اولا منابع مادی و خصیصه‌های جمعیتی معمولا گرایش به مشارکت سیاسی را از بین می‌برد. دوما مشکلات اقتصادی و فقر شدید به همراه ارتباط سازنده و مناسب نهادهای دولتی تمایل شهروندان فقیر به مشارکت را افزایش می‌دهد.

۳- مبانی نظری

بسیاری از تحقیقات کسانی چون دیویس،رانسیمنوکروسبی نشان می‌دهد زمانی که شهروندان احساس محرومیت نسبی داشته باشند و در مناطق شهری احساس کنند که خدمات و تسهیلاتی که دریافت می‌کنند کافی نیست و یا از هر لحاظ تبعیضی وجود دارد و مسئولان نیز به این نابرابری دامن می‌زنند، طبیعی است که تمایلی به مشارکت در امور شهری نخواهند داشت و رابطه‌ی معکوسی با آن وجود دارد. در واقع عدم مشارکت سیاسی شهروندان ممکن است باعث تشدید مشکلات موجود و یا پیدایش مشکلات جدیدتر برای جامعه گردد. علاوه‌براین با بهبود سیاست‌های اجتماعی و افزایش مشارکت سیاسی شهروندان، پیشرفت و توسعه‌ی جامعه محقق می‌شود و این پیشرفت خود بر تقویت نهادهای مرتبط با رفاه مانند خدمات درمانی ، بهداشتی، اموزشی و ...تاثیر می‌گذارد. در واقع سیاست‌های رفاهی دولت در نهایت باعث تقویت نهادهای خدمات رسان می‌شود و به نوعی بازخورد این سیاست‌ها به خود دولت بازمی‌گردد. (امیر کافی، ۱۳۸۳: ۱۸۱) .

از نظر لاولس, افرادی که زیر خط فقر هستند بیشتر از سایر طبقات جامعه تحت تاثیر سیاست‌های اجتماعی دولت قرار می‌گیرند چرا که مخاطب بخشی از سیاست‌های اجتماعی دولت این قشر از اجتماع هستند و دولت سعی دارد سیاست‌های مراقبت از کودکان، مسکن و غذا را بیشتر در این قشر اجرا کند. اما بر خلاف این شهروندانی که زیر خط فقر هستند تمایل کمتری به مشارکت سیاسی دارند. (لاولس،۲۰۰۱ : ۳۶۲)

نتایج تحقیقات ساس[1](۱۹۹۹: ۳۷۱-۷۹) نشان می دهد که شهروندان در حین تعامل و مواجه با خدمات اجتماعی رفاهی دولت دانش سیاسیشان نیز افزایش می‌یابد و بر روی نگرششان درباره‌ی سیستم سیاسی اثر می‌گذارد. به میزانی که متولیان و کارکنان دستگاه‌های رفاهی که درردەهای پایین‌تر اجرای سیاست‌های رفاهی قرار دارند با شهروندان برخورد و تعامل بهتری دارند به همان میزان بر کیفیت تجربه‌ی شهروندان و دانش آنان می‌افزاید و در نهایت واکنش‌ها یا مشارکت سیاسی شهروندان برآمده از تجربیات مثبت شهروندان از برنامه‌های رفاهی و خدماتی دولت است.

بسیاری دیگر نیز مانند کانوی (۱۹۹۱: ۲۱۳) بر این باورند که میزان پا سخگو بودن سیستم رفاهی یک دولت با مشارکت سیاسی شهروندان رابطه‌ی مستقیمی دارد و زمانی شهروندان تمایل به مشارکت دارند که ببینند دولت نسبت به نیازهای آنان پاسخگو است . به طور کلی مشارکت سیاسی شهروندان برآمد نه فقط یک تجربه بلکه تجربیات متعدد آنان از سیستم رفاهی و خدماتیست که دریافت کرده‌اند. به همین دلیل می‌توان گفت که اجرای سیاست‌های رفاهی در حوزه‌های مختلف و زوایای متعدد زندگی شهروندان بسیار مهم است.

گائوترنیز معتقد است که مشارکت فرایندی اجتماعی، عمومی و یکپارچه است که هدف آن درگیر کردن مردم و ایفای نقش آنان در تمامی مراحل توسعه است زیرا افزایش مشارکت تاثیر بسزایی در کاهش فقر ، تامین حداقلی خدمات عمومی، توسعه‌ی فرصت‌های شغلی، افزایش بهره‌وری درآمد، افزایش تولیدات کشاورزی و تامین امنیت خانواده‌ها دارد. بخشی از مشارکت می‌تواند به دلیل توانمندسازی افراد ضعیف و فاقد قدرت صورت گیرد. مشارکت سیاسی به حدی مهم است که می‌تواند به عنوان موثرترین ابزار برای حل معضلات و بحران‌های اجتماعی به کار آید. (ازکیا، ۱۳۸۳: ۲۹۰-۲۹۱).

-سابقه سیاستگذاری عمومی از منظر رفاه (سیاست های اجتماعی)در ایران

بر اساس آنچه که مطرح شد، طراحی دقیق و اجرای سیاست‌های اجتماعی به منظور بهبود رفاه، افزایش برابری و عدالت اجتماعی بسیار مهم است و طیف و گستره‌ی این سیاست‌ها باید تا حد امکان جامع باشد و متناسب با بخش‌های مختلف یک کشور و بر اساس میزان فراوانی امکانات و تسهیلات صورت گیرد. همچنین سیاست‌های رفاهی در کشورهای مختلف یکسان نیست و در بسیاری از مقالات موضوع وجود یا عدم وجود سیاست‌های اجتماعی مطرح نیست بلکه بیشتر نوع سیاست و طیف افرادی که تحت پوشش سیاست قرار می‌گیرند مطرح است. اولین حوزه‌ی تعامل دولت با شهروندان در بحث سیستم رفاهی و سیاست‌های اجتماعی تجربیاتست که شهروندان در مواجه با این سیستم دارند.

سیاستگذاری عمومی از منظر رفاه ویا همان وازه مصطلح ،،سیاست‌های اجتماعی ،،در ایران از گذشته های دور کم و بیش اجرا شده است و تاریخچه‌ای طولانی دارد. می‌توان گفت که از ایران باستان و پس از ورود اسلام به ایران سیاست‌های رفاهی از قبیل جلوگیری از فقر، تعدیل ثروت و کاهش آسیب‌ها و معضلات اجتماعی انجام شده است. همچنین در دوران صدارت کوتاه امیرکبیر اقداماتی مانند مبارزه با وبا، تاسیس مریض‌خانه، نظافت شهر، تاسیس دارالفنون و... نیز انجام شد. اما اجرای سیاست‌های اجتماعی به مفهوم مدرن و امروزی آن از دوران مشروطه و در دو بخش بهداشت و آموزش به اجرا درآمده است. همچنین در دوره‌ی رضاشاه پهلوی نیز اقداماتی در این زمینه صورت گرفته است . سیاست‌های اجتماعی از سال ۱۳۲۰ به بعد دربردارنده‌ی موضوعاتی چون بهداشت، بیمه‌ی کارگری، اصلاحات ارضی و تحصیل رایگان بوده

[1] Soss

است. با تمامی این‌ها سیاست‌های رفاهی به شکل اساسی و جامع بعد از انقلاب اسلامی ایران شکل گرفته است و قانون اساسی، دولت را ملزم به تدوین و طراحی سیاست‌های جامع و کامل در زمینه‌ی بهداشت، آموزش، تغذیه، مسکن، اشتغال برای تمامی مردم ایران می‌کند و در پی آن در کنار دولت، سازمان‌ها و نهادهای موازی برای تامین رفاه و نیازهای شهروندان در ایران شکل گرفته است. (قاراخانی، ۱۳۹۰: ۱۲۴-۲۵) در دوره‌های مختلف نیز سیاست‌های اجتماعی به صورت جسته و گریخته اجرا شده است و متاسفانه مطالعات تجربی اندکی بر تاثیر این سیاست‌ها بر مشارکت سیاسی شهروندان صورت گرفته است و بررسی و مطالعه‌ی عمیق سیاست‌های اجتماعی به طور کلی در پژوهش‌های محققان ایرانی در علوم مختلف نادیده گرفته شده است. تحقیقات صورت گرفته نیز بیشتر در سطوح پایین‌تر و جزیی‌تر مانند عملکرد شهرداری‌ها بر رضایت شهروندان شهرهای مختلف ایران بوده است.

تحقیق حاضر بر آن است که تاثیر سیاستگذاری عمومی ازمنظر رفاه عمومی برتوسعه اجتماعی را بعنوان سیاست‌های اجتماعی اجرا شده در دوره‌ی ریاست جمهوری دکتر حسن روحانی در دولت یازدهم در کردستان را مورد بررسی قرار دهد. برای این منظور باید اقدامات انجام شده در این منطقه مورد بررسی قرار گیرد. یکی از خصوصیات بارز مطرح شده در دولت یازدهم داشتن سیاست‌های اجتماعی (رفاهی) جامع به ویژه در مناطق محروم است برخی از این سیاست‌ها عبارتند از: سیاست‌های که هم اکنون دروزرات تعاون،کارو رفاه اجتماعی درحال اجراهستنداز قبیل سیاست حمایت غذای ازافراددارای فقرغذایی،سیاست حمایت اجتماعی ازکودکان کار و خیابان،سیاست ارائه مشوق تحصیلی به کودکان بازمانده ازتحصیل،سیاست غربالگری آلزایمردرسالمندان،سیاست گفتوگوی اجتماعی بانخبگان وسیاست فقرزدایی منطقه‌ای اشاره کرد. علاوه بر سیاست‌های جامع برای کل ایران، دولت یازدهم برای هر منطقه نیز برنامه‌ای جداگانه‌ای را کم و بیش اجرا کرده است. به عنوان مثال در منطقه‌ی کردستان تخصیص اعتبارات برای طرح‌های فاضلاب در شهرهای مختلف استان کردستان یا کمک به ایجاد زیر ساخت‌های شهری و تلاش برای اشتغال زایی در منطقه از اقدامات دولت یازدهم است.

بر خلاف انتقادهای برخی رسانه‌ها از عملکرد ناکافی دولت روحانی در استان کردستان، اما انتخابات سال ۹۶ نشان دهنده‌ی افزایش مشارکت سیاسی شهروندان کرد در جریان انتخابات بوده است. به گزارش خبرگزاری تسنیم، انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ نشان دهنده‌ی این است که میزان آرای دکتر روحانی در مقایسه با سال ۹۲ سه درصد افزایش داشته است(خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۵/۲/۳۰).

۴- سیاست‌های اجتماعی دولت یازدهم در کردستان و تاثیر آن بر میزان مشارکت مردم

سیاست‌های اجتماعی به مفهوم مطالعه و بررسی خدمات اجتماعی و دولت رفاهی است. این خدمات غیرسیاسی هستند عمدتا شامل مسکن، تامین اجتماعی، مددکاری اجتماعی و آموزش می‌شود و هدف اصلی سیاست‌های اجتماعی کاهش نابرابری و بهبود رفاه انسانی است. اما گستره و دامنه‌ی سیاست‌های اجتماعی از تعریف اولیه‌ی خود فراتر رفته است و شامل مواردی چون بهداشت، تغذیه، اشتغال‌زایی و سایر دولتی می‌شود. به طور کلی باید گفت که سیاست‌های اجتماعی رفاهی سیاست‌هایی هستند که زندگی شهروندان را بهتر می‌کنند. از سوی دیگر مشارکت سیاسی از پدیده‌های دولت‌های مدرن به شمار می‌رود و تعاریف گوناگونی از آن ارائه شده است اما به طور کلی ، معنای مشارکت سیاسی مجموعه‌ای از فعالیت‌ها و اعمال شهروندان برای اعمال نفوذ بر حکومت یا حمایت از نظام سیاسی است. (فکوهی ۹۳: ۲۷)

در ایران البته سازو کارها ی عمیق و فراوانی برای افزایش مشارکت مردم و واگذاری برخی از اختیارات تصمیم‌گیری به آنان تدارک دیده نشده است.

با توجه به تعاریف مطرح شده تحقیق حاضر به دنبال تعیین میزان اثرگذاری سیاست‌های اجتماعی دولت روحانی و میزان کارامدی آن‌ها در مشارکت مردم استان کردستان است. متاسفانه گزارش اقتصادی جامعی در مورد اقدامات انجام شده‌ی دولت روحانی در استان کردستان وجود ندارد اما با توجه به دو سفر استانی دکتر روحانی در سال‌های ۹۴ و اوایل سال ۹۶ و مصوبات اعلام شده در خبرگزاری‌ها که نتایج این سفرها بوده است، می‌توان تا حدودی به سیاست‌های اجرا شده پی برد. اما مسئله‌ی بررسی سیاست‌ها ی اجتماعی دولت روحانی از دو منظر قابل بررسی است. اولا سیاست‌های جامع و کلی اجرا شده در سراسر کشور که قسمت عمده‌ی این فعالیت‌ها در گزارش سال ۱۳۹۵ به مناسبت هفته‌ی دولت با عنوان "سه سال با تدبیروامید چکیده دستاوردهای دولت یازدهم درحوزه های اقتصادی،اجتماعی،سیاسی وفرهنگی جهت بهره‌برداری درهفته دولت"(دبیرخانه شورای اطلاع رسانی دولت،۱۳۹۵: منبع اینترنتی) منتشر شده است. منظر دوم سیاست‌های اجتماعی اجرا شده به طور خاص در یک استان مانند پروژه‌ها و مصوبات است. از منظر اول یعنی اقدامات کلی دولت روحانی که به صورت جامع در گزارش مذکور آمده است، قسمت اعظم آن به وضعیت رفاهی، معیشت و بهزیستی شهروندان می‌پردازد و می‌توان آن‌ها را سیاست‌های اجتماعی رفاهی دولت به حساب آورد. سیاست‌هایی که به طور کلی در سراسر کشور اجرا شده‌اند و توانسته‌اند در رفاه مردم به خصوص در نواحی حاشیه نشین و روستایی موثر واقع شوند. بخش اندکی از این سیاست‌ها به تفکیک حوزه‌ی عبارتند ازعرصه‌ی اقتصادی: بازگشت رونق اقتصادی به کشور، جلوگیری از رشد نقدینگی، کاهش نرخ سود بانکی. در بخش کشاورزی: رشد ارزش افزوده محصولات کشاورزی، اجرای عملیات آبخیزداری، خرید تضمینی گندم. در بخش مسکن:تحویل بیش از ۶۸۳ هزارواحد مسکن مهردرطول دوره دولت یازدهم، درسه ماهه اول سال ۹۵،نزدیک به ۲۷۰۰۰ واحد مسکن مهرتکمیل وتحویل به متقاضیان، تکمیل عملیات ساخت وتحویل ۵۶ پروژه بیمارستانی در شهرهای مختلف کشور. در بخش اجتماعی: ساماندهی اموراجتماعی وفرهنگی درنقاط حاشیه نشین وسکونتگاه‌های غیررسمی، تدوین واجرای برنامه های

حمایت اززندانیا ن و خانواده‌های آن‌ها ،گسترش پوشش بیمه‌ی اجباری و همگانی، اجرای بیمه‌ی تکمیلی درمانی بازنشستگی، تأمین ۵۵۰۰۰ واحدمسکونی برای مددجویان و معلولان طی سه سال اخیر، افزایش ضریب نفوذامنیت غذاوتغذیه از ۵۰ درصددرسال ۱۳۹۱ به ۶۳ درصددرسال۱۳۹۴، توسعه کمی وکیفی خدمات سازمان بهزیستی،نظیرمراکزاورژانس اجتماعی ومشاوره،پایگاه‌های سلامت وخدمات اجتماعی،مراکزدرمان اعتیاددرراستای کاهش آسیبهای اجتماعی،رشد ۱۳ درصدی شهرهای برخوردارازاورژانس اجتماعی. در بخش پزشکی و درمانی: کاهش پرداخت ازجیب مردم درمراجعه به مراکزدرمانی کشوربه میزان ۲۰ درصدهمراه باافزایش دسترسی ازطریق افزایش ۲۰ هزارتخت بیمارستانی وتوزیع ۱۰ هزارپزشک ومتخصص، تاسیس ۲۵۰۰ خانه بهداشت ومرکزبهداشتی درنقاط محروم، کاهش قیمت انواع لوازم وتجهیزات پزشکی پرمصرف،همچون لنزداخل چشمی واستنتهای قلبی به طورمتوسط ۴۲درصد.راه‌اندازی بیش از ۲۵۰ مرکزسلامت جامعه درمناطق حاشیه شهرها وشهرهای ۲۰ تا ۵۰ هزارنفر.علم و فناوری: تایید صلاحیت بیش از ۲۵۰۰ شرکت متقاضی دانش بنیان تاپایان تیرماه ۱۳۹۵ که این تعداددرخردادسال ۱۳۹۲ تنها ۲ شرکت بوده است، اشتغال مستقیم حدود ۴۰ هزارنفردرشرکتهای دانش بنیان وکسب درآمدی بالغ بر ۱۱۰ هزارمیلیاردریال توسط این شرکتها. اقدامات مطرح شده تنها بخش کوچکی است که در این گزارش آمده است و ذکر تمامی آن‌ها در این مقاله نمی‌گنجد.

اقدامات کلی دولت در زمینه‌ی رفاهی اجتماعی و تاثیر آن بر مشارکت مردم ایران در نقاط مختلف می‌تواند مورد ارزیابی قرار گیرد. اما با توجه به انتخابات سال ۱۳۹۶ که مشارکت در انتخابات افزایش یافته است می‌توان بخشی از افزایش مشارکت سیاسی ایرانیان و استان کردستان را ناشی از سیاست‌های کلی اجتماعی و رفاهی دولت روحانی در نظر گرفت. که توانسته است تا حدی با کاهش محرومیت نسبی شهروندان و افزایش رفاه، رضایت نسبی آنان را به دست آورد. اما در دو سفر استانی روحانی به سنندج مصوبات متعددی در زمینه‌ی، اجتماعی، فرهنگی و خدمات درمانی به تصویب رسید و علاوه بر این دو سفر شخص رییس جمهور، شش وزیر و چهل و سه تن از معاونان وزیران برای پیگیری مصوبات و پروژه‌ها به کردستان سفر کرده‌اند.در اولین سفر استانی دکتر روحانی به کردستان طرح‌های مختلفی برای اجرابه تصویب رسید .این اقدامات به اختصار به شرح زیر است:

در حوزه‌ی راه و شهرسازی: ساختن، تعریض وآسفالت برخی جاده‌ها ، تکمیل بزرگراه سنندج – همدان و تکمیل راه ترانزیتی سنندج- مریوان. در حوزه‌ی وزارت نیرو تکمیل پروژه‌های سد سازی، شبکه آبیاری و زهکشی، تکمیل خطوط آبرسانی و انتقال آب ، ایجاد تاسیسات فاضلات، احداث پست‌های برق. در حوزه وزارت بهداشت،درمان وآموزش پزشکی: تکمیل بیمارستان‌ها، خوابگاه دخترانه‌ی دانشگاه علوم پزشکی کردستان،احداث بیمارستان جدید. درحوزه وزارت علوم،تحقیقات وفناوری: تکمیل چند دانشکده و پارک علم و فناوری، درحوزه وزارت ورزش وجوانان: تکمیل دو سالن ورزشی و استخر. وزارت تعاون،کارورفاه اجتماعی: تکمیل درمانگاه پلی تکنیک، مجموعه‌ی ورزشی و سالن چند منظوره. حوزه وزارت جهادکشاورزی: کمک‌های فنی و اعتباری به توسعه‌ی آبیاری تحت فشار، تکمیل و توسعه‌ی ماهیان سردابی. حوزه سازمان میراث فرهنگی،صنایع دستی وگردشگری: ایجاد زیر ساخت‌های گردشگری(خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۴/۵/۱۱).

مصوباتی که در سال ۱۳۹۴ تصویب شد با هدف اشتغال زایی و حل معضلات منطقه‌ی کردستان صورت گرفته است. که تکمیل و راه‌اندازی این پروژه‌ها تا حدی در مشارکت سیاسی شهروندان کردستانی نقش داشته‌اند. با توجه به اینکه سیاست‌های اجتماعی با هدف حل معضلات و بحران‌های هر جامعه و رفع تبعیض صورت می‌گیرد. دولت روحانی سعی کرده است با این پروژه‌ها بخشی از مشکلات منطقه‌ی کردستان را حل کند. میزان موفقیت این سیاست‌ها را تا حدی می‌توان در میزان مشارکت سیاسی و با استفاده از پرسشنامه و نظرسنجی از شهروندان استان به دست آورد.

اما سفر دوم دکتر روحانی در ابتدای سال ۱۳۹۶ نیز حاوی راه‌اندازی و پیگیری پروژه‌های مطرح شده در سال ۱۳۹۴ بود. به گفته‌ی خبرگزاری مهر در جریان این سفر ۲۷۵۰ هزار میلیارد تومان طرح و پروژه در بخش‌های اقتصادی و عمرانی به بهرداری رسید. از طریق افتتاح این پروژه‌های بیش از ۶۰۰۰ شغل برای جوانان منطقه ایجاد می‌شود. همچنین تکمیل طرح‌های مسکن مهر و افتتاح تصفیه خانه نیز از پروژه‌های افتتاح شده در این سفر است. در این سفر همچنین چندین کارخانه‌ی صنعتی بزرگ مانند لاستیک بارز افتتاح شد که ضمن افزایش اشتغال‌زایی به رونق اقتصادی منطقه نیز کمک کرده است. در بخش سلامت و درمان نیز افتتاح مرکز ام آر آی. بازگشایی بزرگترین مرکز پزشکی، آموزشی و درمانی غرب کشور نیز انجام گرفت. در زمینه‌ی فناوری ارتباطات و اطلاعات اینترنت سرعت و بهبود خطوط تلفن همراه صورت گرفت(خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۱/۵).

با توجه به اینکه حوزه‌های اصلی سیاست‌های اجتماعی درزمینه های مانند کاهش فقر امنیت اجتماعی، عدالت، بیمه‌ی بیکاری، بهبود شرایط زندگی، بیمه‌ی بازنشستگی، خدمات درمانی، مسکن، مشکلات کارگران و...است، می‌توان گفت که بسیاری از اقدامات انجام شده را می‌توان در راستای سیاست‌های اجتماعی دولت روحانی به حساب آورد، به خصوص که یکی از مهم‌ترین مشکلات اصلی استان کردستان معضل بیکاری میباشد. با اینکه رسانه‌ها و خبرگزاری‌های منتقد دولت این سفرها را از یک سو مصوبات از پیش تعیین شده در نظر می‌گیرند و معتقدند که سفر دوم دکتر روحانی در ابتدای سال ۹۶ جنبه‌ی تبلیغاتی داشته است اما ۷۳ درصد از مردم استان در انتخابات ۲۹ اردیبهشت ماه به ایشان رای داده‌اند که نشانی از موثر بودن این سیاست‌هاست. این رقم در انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۲، ۷۰ درصد است.

۵- روش تحقیق و تحلیل نتایج

این مقاله از لحاظ ارایه الگو، از نوع کاربردی تلقی می‌شود. در تحقیقات بنیادی عمدتا از روش‌های کیفی در فرآیند تحلیل استفاده می‌شود، استراتژی مورد استفاده در روش کیفی، دلفی است. بر اساس این روش، محقق ابتدا داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی را به مجموعه‌ای از شاخص‌ها، مولفه‌ها و ابعادی و آنگاه آنان را به نوعی تئوری یا نظریه تبدیل کرده‌است. در این مقاله ، پس از تحلیل داده‌های به دست آمده (از منابع اطلاعاتی، متون و منابع علمی) شاخص‌ها، مولفه‌ها و ابعاد ذیربط استخراج گردیده و سپس از طریق ارسال پرسش‌نامه و اخذ پاسخ و جمع‌بندی و تهیه پرسش‌نامه دوم و ارسال آن و تکرار این فرآیند تا رسیدن به نتیجه(الگو) کار ادامه یافته‌است. به عبارت دیگر داده‌های حاصل از منابع اطلاعاتی در ابتدا به مجموعه‌ای از شاخص‌ها، مولفه‌ها و ابعاد تبدیل و پس از اخذ نظر خبرگان (خبرگان جامعه آماری) به الگو تبدیل شده‌است.

با استفاده از روش دلفی اقدامات زیر انجام گردید:

با مشاوره با استاد راهنما که اشراف کاملی در حوزه الگوی تحقیق دارد، فهرستی از خبرگان مرتبط با موضوع ,جهت عضویت در پنل خبرگان پژوهش تهیه گردید و پس از مشورت با سایر اساتید از جمله استاتید محترم راهنما فهرست پنل خبرگان نهایی گردید. این خبرگان واجد یک یا چند ویژگی زیر بوده‌اند:

۱-۱- عضو هیات علمی دانشگاه یا موسسه آموزشی پژوهشی

۱-۲- مدیر/مشاور ارشد در شرکت های معتبر

۱-۳- مدیر/ کارشناس ارشد درگیر مستقیم موضوع

۱-۴- خبرگانی که با موضوع تحقیق آشنا و علاقمند بوده‌اند

۲- جمع‌آوری پاسخ‌ها و جمع‌بندی پاسخ های دور اول دلفی،

پاسخ‌های مختصر شده در جدول(۱ و ۲) آمده‌است.

جدول ۱- شاخص‌های توصیف پاسخ‌های عوامل موثر بر مشارکت سیاسی

متغیرهای مستقل	میانگین	میانه	مد	انحراف استاندارد	شاخص‌های نرمالیتی		کمترین	بیشترین
					چولگی	کشیدگی		
راه و شهر سازی	3.584	3.571	3.1	0.505	0.197	0.421	2.429	4.857
نیرو	3.903	4	3.3	0.623	-0.292	-0.966	2.75	5
بهداشت و درمان	3.84	3.8	3.60	0.529	0.488	-0.083	3	5
علم و تحقیقات و فناوری	3.5	3.6	3.40	0.677	-0.54	-0.258	2.2	4.6
ورزش و جوانان	3.953	4	4	0.697	-0.505	0.951	2	5
تعاون، کار و رفاه اجتماعی	3.753	3.75	3.75	0.681	-0.355	0.552	2	5
جهاد کشاورزی	3.283	3.5	4	1.044	-0.271	-0.574	1	5

جدول ۲- نتایج آزمون تی یک نمونه ای

شاخص‌ها	t	سطح معناداری	فاصله اطمینان	
			کران پایین	کران بالا
راه و شهر سازی	6.339	0	0.396	0.773
نیرو	7.934	0	0.67	1.136
بهداشت و درمان	8.699	0	0.6425	1.0375
علم و تحقیقات و فنآوری	4.047	0	0.2473	0.7527
ورزش و جوانان	7.482	0	0.6923	1.2132
تعاون، کار و رفاه اجتماعی	6.051	0	0.4983	1.0072
جهاد کشاورزی	2.487	0.033	0.1064	0.6731

در این مرحله تعداد ۳۵ پرسشنامه بین خبرگان توزیع شده است، و پس از ده روز پیگیری و حداقل سه بار مراجعه مجددر نهایت ۳۰ پرسشنامه سالم جمع آوری شده است، در بخش اول پرسشنامه (در پیوست ارائه شده است) ضمن معرفی موضوع پژوهش، هدف بیان مسئله، ضرورت پژوهش و مفاهیم برای پاسخ دهندگان بیان شده است. نتایج دور اول دلفی شامل میانگین، انحراف استاندارد، میانه، مد و نتایج آزمون تی- تک‌نمونه‌ای در جدول ۱ و ۲ نشان داده شده است. مقدار ضریب آلفای کرونباخ برای دور اول ۰/۸۳۳ شده است.

برای سوالات مورد نظر از آزمون تی تک نمونه‌ای استفاده می‌شود. این آزمون برای تعیین معنی‌داری اختلاف بین میانگین یک متغیر با یک مقدار ثابت که مقدار آزمون نامیده می‌شود، به کار می‌رود. مهمترین نکته در استفاده از آزمون t تک نمونه‌ای، انتخاب مقدار آزمون است که باید یک نقطه وسط را بیان کند. در مقاله حاضر با توجه به طیف لیکرت پنج گزینه‌ای طراحی شده درپرسشنامه،حداکثروحداقل میانگین امتیازات هربعد به ترتیب برابربا۵ و ۱ می‌باشد. اگرامتیازمؤلفه‌ای حداقل ۵۰ درصدازکل امتیازقابل اکتساب رابه دست آورد، آن مؤلفه مطلوب درنظرگرفته میشود. بنابراین مقدارعددی ۳ به عنوان حدی درنظرگرفته شده که امتیاز بالاترازآن به عنوان تاثیر عامل ذکر شده بد افزایش انگیزه و تشویق کاربران در استفاده از پل‌های عابر پیاده می‌باشد. چنانچه میانگین پاسخ‌ها در هر یک از مؤلفههای متغیرها از عدد ۳ بیشتر باشد متغیر مورد مطالعه از دیدگاه پاسخدهندهها بر افزایش انگیزه و تشویق کاربران در استفاده از پل‌های عابر پیاده تاثیر دارد، در غیر این صورت از نظر جامعه مورد آزمون، متغیر بررسی شده تاثیر نخواهد داشت. فرض صفر و مقابل این آزمون به صورت زیر است.

H0: میانگین پاسخ‌ها دارای اختلاف معنادار با میانگین نظری نیست. (μ=۳)

H_1: میانگین پاسخ‌ها اختلاف معنادار با میانگین نظری دارد. ($\mu\neq$۳)

مقدار میانگین پاسخ‌ها برای تمامی عوامل ذکر شده بیشتر از مقدار ۳ شده است و با توجه به فاصله اطمینان ۹۵٪، مقدار کمتر بودن سطح معناداری از ۰/۰۵ و مثبت بودن آماره تی نشان از تایید فرض محقق می‌باشد و در نتیجه می توان گفت هر ۷ عامل ذکر شده شامل راه و شهر سازی، نیرو، بهداشت و درمان، علم و تحقیقات و فنآوری، ورزش و جوانان، تعاون، کار و رفاه اجتماعی و جهاد کشاورزی بر مشارکت سیاسی تاثیر معنادار داشته اند.

۶-بحث و نتیجه گیری نهایی دلفی:

در پژوهش حاضر، برای تعیین اتفاق نظر میان اعضای پانل علاوه بر شاخص های مرکزی شامل میانگین و انحراف استاندارد و .. آزمون تی-تک‌نمونه‌ای از ضریب هماهنگی کندال نیز استفاده شده است. دقت کنید ضریب هماهنگی کندال با ضریب همبستگی تاو کندال تفاوت دارد. کندال در ضریب همبستگی کندال دارای خواصی نظیر ضریب همبستگی ساده است. برای برآورد آن از آماره τ استفاده می‌شود. ضریب همبستگی کندال که با نماد w نشان داده می‌شود یک آزمون ناپارامتریک است و برای تعیین میزان هماهنگی میان نظرات استفاده می‌شود. ضریب کندال بین صفرو یک ، متغیر است. اگر ضریب کندال صفر باشد یعنی عدم توافق کامل و اگر یک باشد یعنی توافق کامل وجود دارد. ویژگی‌های ضریب کندال یکی از مهمترین کاربردهای این آزمون را در مدیریت فراهم کرده است.) استفاده شده است. نتایج دورهای دوگانه گانه دلفی نشان می‌دهد که اتفاق نظر اعضای پانل حاصل شده است و می توان به تکرار دورها پایان داد.

جدول ۳: جمع بندی نهایی دلفی

دول اول دلفی
Kendall's W=0.667 Chi-square=70.206 Sig=0.001

در نهایت می توان گفت که ضریب توافق کندال بالاتر از ۰/۴ قرار داشته است و با توجه به کمتر بودن مقدار سطح معنی داری از ۰/۰۵ می توان گفت که ضریب توافقی کندال معنادار بوده است و درسطح اطمینان ۹۵٪ اتفاق نظر بین خبرگان وجود داشته است. هرچه ضریب توافقی کندال به یک نزدیک تر باشد، اتفاق نظر بین خبرگان بیشتر می‌باشد.

فهرست منابع فارسی:

۱) ازکیا،م .وغفاری،غ .۱۳۸۳. توسعه روستایی باتأکید برجامعه روستایی ایران،تهران :نشرنی
۲) امیرکافی مهدی. (۱۳۸۲). بررسی میزان مشارکت اجتماعی شهروندان در اداره‌ی بهینه‌ی امور شهری، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران.
۳) اظهاری سید کمال. (۱۳۸۴). فقر مسکن در ایران: فقر سیاست اجتماعی. رفاه اجتماعی، ۵(۱۸)، ۱۱۳-۱۲۷.
۴) بابایی نعمت‌الله. (۱۳۸۲). سیاست اجتماعی و سلامت. رفاه اجتماعی، ۱۰ (۳۲)، ۲۰۱-۲۳۲.
۵) پیران پرویز. (۱۳۸۲). سیاست اجتماعی، توسعه‌ی اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاگ). رفاه اجتماعی، ۳ (۱۰)، ۱۲۱-۱۵۴.
۶) تاج مزینانی علی اکبر، حامد مهدیه. (۱۳۹۴). جایگاه شهرداری دراعمال سیاست اجتماعی محلی درمتن قوانین شهرداری (مطالعۀموردی: شهرداری تهران). رفاه اجتماعی، ۴(۲)، ۳۲۳- ۳۴۵.
۷) توسلی غلامعباس. (۱۳۸۲). در جستجوی سیاست اجتماعی در اسلام. رفاه اجتماعی، ۱۰، ۸۱-۲۰۲
۸) جواهری پور مهرداد. (۱۳۸۳). سیاست اجتماعی و فقر (از برنامه‌های تعدیل ساختاری تا راهبردهای کاهش فقر). رفاه اجتماعی، ۱۲(۳۰)، ۴۲-۷۰.
۹) جزایری علیرضا،وصلواتی مژگان. (۱۳۸۳). سیاست اجتماعی وخانواده.رفاه اجتماعی (ویژه نامه سیاست اجتماعی)، ۱۰(۳)، ۲۳۳-۲۴۴.
۱۰) خبرگزاری مهر، ۱۳۹۶/۱/۵. کد خبر ۳۹۳۷۸۴۶، آدرس: mehrnews.com/news/3937846.
۱۱) خبرگزاری ایرنا، ۱۳۹۴/۵/۱۱، کد خبر ۸۱۷۰۳۹۳۴، آدرس: http://www.irna.ir/fa/News/81703934ربانی رسول. (۱۳۸۸). رابطه ابعادمادی وغیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان درامورشهری. رفاه اجتماعی، ۹(۳۲)، ۸۷-۱۰۴.
۱۲) خبرگزاری تسنیم، ۱۳۹۶/۲/۳۰، کد خبر 1415263، آدرس: http://tn.ai/1415263
۱۳) سبکتکین ریزی قربانعلی، روهنده مجید، بساطیان سید محمد، و جعفری احمد. (۱۳۹۵). رضایتمندی ومشارکت سیاسی-اجتماعی مطالعه موردی: شهروندان شهرکرج. جامعه شناسی کاربردی، ۳.
۱۴) شایگان فریبا. (۱۳۸۹). نگرش نسبت‌به رفاه اجتماعی- اقتصادی ورابطه آن بااعتمادسیاسی درشهرتهران. ۱(۳)، ۱۴۵-۱۷۸.
۱۵) شورای اطلاع رسانی دولت،شهریور ۱۳۹۵، سه سال با تدبیر و امید: چکیده دستاوردهای دبیرخانه دولت یازدهم درحوزه های اقتصادی،اجتماعی،سیاسی وفرهنگی جهت بهره برداری درهفته دولت موجود در سایت *isti.ir/uploads/3salbatadbiromid.pdf*
۱۶) قاراخانی معصومه. (۱۹۹۰). پژوهش سیاست اجتماعی درایران. ۳(۱۰)، ۱۲۳-۱۴۸.
۱۷) کریمی علی،وقاسمی طوسی سمیه. (۱۳۹۳). سیاستگذاری اجتماعی وهویت سازی ملی؛فراگیری سیاستهای کلان اجتماعی درقانون اساسی جمهوری اسلامی ا یران. مطالعات ملی، ۱۵(۲)، ۲۵
۱۸) کامکارمهدیس. (۱۳۸۲). سیاست اجتماعی چیست؟رفاه اجتماعی، ۱۰(۳)، ۱۱-۳۰.
۱۹) کریمی علی، و قاسم طوسی سمیه. (۱۳۹۳). سیاست‌گذاری اجتماعی و هویت سازی ملی؛ فراگیری سیاست‌های کلان اجتماعی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. مطالعات ملی، ۱۵(۲)، ۲۵-۴۸.
۲۰) معینی محمدرضا. (۱۳۸۲). سیاست اجتماعی،توسعه اجتماعی ونهادهای غیررسمی. رفاه اجتماعی، ۳ (۱۰)، ۱۰۳-۱۱۸.
۲۱) وصالی سعید،وامیدی رضا. (۱۳۹۳). سیاستگذاری اجتماعی: زمینه هاورویکردها. برنامه‌ریزی و بودجه، ۱۷۹-
۲۲) یزدانی فرشید. (۱۳۸۲). مفاهیم بنیادی **درمباحث رفاه اجتماعی (سیاست اجتماعی،حمایت اجتماعی،رفاه وتامین اجتماعی). رفاه اجتماعی، ۳(۱۰)، ۳۱-۵۴**

English References

1) Conway, M. Margaret.(1991). Political Participation in the United States.2nd edition. Washington, DC, Congressional Quarterly Press
2)) Dani, Anis.A.&Arjen de, Haan.(2008) Inclusive States: Social Policy Structural Inequality, The World Bank.
3) Fakouhi, Naser (2004). Humanism Theory on Villager Think about Political Participation. Sociology Magazine, 26, 25-67.
4) Harris, K. (2010). Lineages of the Iranian Welfare State: Dual Institutionalism and Social Policyin

the Islamic Republic of Iran. Social Policy & Administration, 44(6), 727-745.

5) Lawless, Jennifer L., and Richard L. Fox.(2001). Political Participation of the Urban Poor."*Social Problems*, 48(3).362-385
6) Messkoub, M. (2006). Social Policy in Iran in the Twentieth Century. *Iranian Studies*, *39*(02), 227-252.
7) Soss, Joe. (1999).Lessons of Welfare: Policy Design, Political Learning, and Political Action." *American Political Science Review* 93:363–380.